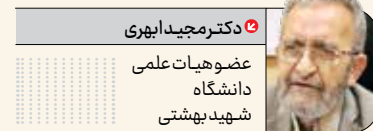


عناصر حیاتی رشد شخصیت کودکان



رسول... (ص) می‌فرمایند: بازی، شغل کودک و اسباب بازی، ابزار کار وی است.

از نگاه روان‌شناسی رشد و رفتارشناسی کودکان این سخن نغز و پرمعنی است که دقیقاً منطبق با اصول علمی امروز بوده و توجه به آن برای والدین لازم و ضروری است. انتخاب نوع اسباب بازی به طور مستقیم بر تربیت و رشد روانی کودکان موثر بوده و همسو با افزایش سن آنها تفاوت‌های ملموس دارد.

به نظر اینجانب یکی از اصلی‌ترین دلایل ظهور و رشد خشونت در بین کودکان و نوجوانان همانا ارتباط مستقیم با انواع اسباب بازی‌ها است.

امروزه بیش از ۸۵ درصد از اسباب بازی‌های موجود در بازارهای اروپا و آمریکا را اقلام خشونت‌زاتشکیل می‌دهد. انواع سلاح‌ها و ابزار ضرب و قتل مثل خنجر و شمشیر و تیرکمان، همچنین عروسک‌ها دارای ظاهر خشن و وحشتناکی است.

امروز کودکان ایرانی به راحتی نام اغلب سلاح‌ها را دانسته و با آنها بازی می‌کنند، تا جایی که در همین سال جاری چند کودک زیر ۱۲ سال به دست همبازی یا برادر و خواهر همسن یا کوچک‌تر خود به شدت مجروح یا کشته شده‌اند.

از طرفی بازی‌های رایانه‌ای یا PS۴ در اکثر منازل کشورمان اصلی‌ترین سرگرمی و ابزار پر کردن اوقات فراغت است. در روزگار نه چندان دور یعنی دوران کودکی ما و حتی جوان‌ترها اکثر اسباب بازی‌ها توسط والدین تهیه می‌شد، عروسک‌های پارچه‌ای تولید شده در خانه‌ها به حداقل رسیده و به جای آنها عروسک‌های باریبی چندده هزار تومانی و گران‌تر و وسایل لوکس داخلی یا خارجی جایگزین شده‌است.

با کمال تأسف تلفن‌های هوشمند والدین به اسباب سرگرمی بچه‌ها تبدیل شده و والدین برای یک مکالمه ضروری باید ساعت‌ها منتظر بمانند و گاهی برای خلاصی از این زورگویی‌ها، گوشی جداگانه‌ای باید برای فرزندان خریداری شود. زبان بازی‌های رایانه‌ای بر کودکان زیر ۱۲ سال و آثار نامطلوب بر مغز و اعصاب آنها، همچنین بروز انواع تیک‌های عصبی و ناهنجاری‌های اسکلتی مثل انحراف ستون فقرات و مهره‌های گردن و کمر، بی‌اشتهایی و یبوست‌های طولانی به علت عدم تحرک بچه‌ها خود نیاز به بحث‌های جداگانه دارد.

برخی از والدین به علت گرفتاری‌های شغلی یا مشکلات خانگی دیگر حوصله بازی با فرزندان را نداشته و به خاطر ساکت و ساکن کردن اطفال‌شان به دنبال بازی‌های بدون تحرک برای فرزندان هستند.

عقب‌افتادگی‌های درسی و بلوغ زودرس به علت هیجان‌های وارده نیز به مباحث جداگانه نیاز دارد. دیگر از بازی‌های اصیل دخترانه که در میان دختران ما معمول بود، خبری نیست. خاله بازی که کلاس درس زندگی برای دختران بود و با پذیرایی‌های مصنوعی و خیالی با استکان‌ها و بشقاب‌های خالی خود آموزش الفبای روابط اجتماعی بود.

بازی‌های پُر از جنب و جوش هم ورزش بود و هم آموزش روابط اجتماعی و به محض بروز اندک تصادم یا برخورد همه باهم با سر دادن شعر «بازی اشکنک داره، سرشکستک داره» و خنده و شادی، گریه‌ها به خنده و قهرها به آشتی و دوستی تبدیل می‌شد.

نهادهای متولی بالاهام از مبانی فرهنگ دینی و اسلامی و اصول فرهنگ اصیل ایرانی و بابه‌کارگیری نخبگان هنری و روان‌شناسی اقدام به تهیه و تولید اسباب بازی‌های مناسب کنند. تا دیرتر از این نشده باید دست به کار شد و میدان را از عناصر لائیک و ضد فرهنگ خالی کرد.

بازی درمانی و مشاوره کودک

دنیای کودکان با بازی گره خورده است. بازی، مفهومی است که معنایهای مختلفی را دربر دارد. بازی ماهیتاً ارتباط نزدیک‌تری با کودکان دارد تا بزرگسالان. گرچه بازی‌های بزرگسالان نیز مهم است اما بزرگسالان تلاش زیادی کرده‌اند تا

بازی‌های‌شان را رسمی، جدی و واقعی نشان دهند. ولی کودک و بازی او عدم رسمیتی دارند که مورد پذیرش بزرگسالان است. از همین رو افراد غیربزرگسال آسان‌تر می‌توانند با تلقی غیررسمی بودن بازی از سوی بزرگسالان، بازی را دنبال کنند. کودکان که چنین امری را به خوبی درک می‌کنند، ترجیح می‌دهند زمان بیشتری از اوقات خود را به بازی اختصاص دهند و خود را از فشارهای رسمی دور نگه دارند. کودک، لذت و معصومیت خود را در بازی متبلور می‌کند و در عین حال مشکلات خود را بازمی‌نمایاند. نظر به اهمیت بازی، بسیاری از مربیان و درمانگران بر آن شدند تا از بازی برای درمان و تربیت استفاده کنند. تصور می‌شود که اگر بازی را بتوان به گفت‌وگو به عنوان خصلت انسان پیوند داد، آن‌گاه می‌توان آن را در خدمت فرآیند درمان و تربیت قرار داد. از آنجایی که بخش‌هایی از آنچه در بازی بروز داده می‌شود، آگاهانه نیست، گفت‌وگوی سقراطی می‌تواند به افراد آگاهی دهد و درک آنها را نسبت به آنچه در بازی رخ داده، عمیق‌تر کند. کتاب پیش رو بازی، کودکی و درمان مشاوره‌ای را با هم ترکیب کرده است. جنبه نوآوری کتاب بازی درمانی و مشاوره کودک در درجه اول مربوط به استفاده از روش سقراطی است که هم به درمانگر کمک می‌کند تا از طریق آن مشکلات را تشخیص داده و به درمان آنها کمک کند و هم به کودکان به عنوان مراجع در پرورش معنا و مفهوم‌یابی کمک کننده است.

برشی از کتاب



این کتاب دارای چهار بخش بوده که نویسنده در هشت فصل به مفاهیمی از قبیل بازی، اهمیت و اهداف آن، بازی درمانی، تاریخچه، اهمیت و اهداف آن، برخی از نظریه‌های بازی درمانی، هنر درمانی و شن بازی پرداخته است و در ادامه توضیحاتی از بیش فعالی - کم توجهی و لالی گزینشی و شیوه‌های تشخیص و درمان آنها ارائه نموده است. در فصول نهم، دهم و یازدهم نویسنده بازی‌هایی را معرفی کرده که ایده بازی درمانگران مطرح بوده و استفاده از آنها بسیار سودمند تشخیص داده شده است. این بازی‌ها صرفاً جنبه لذت و تفریح را نداشته، بلکه برای تشخیص، درمان یا آغازی برای گفت‌وگو مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه شیوه ارائه بازی‌ها نیز متفاوت و نوآورانه است.

در بخشی از کتاب بازی درمانی و مشاوره کودک می‌خوانیم: دورا کالف ذکر می‌کند با خانمی که مشاوره داشتم، ابتدا درمان را با گفت‌وگو پیش می‌برد. به ذهنم رسید که خوب است با شن بازی این کار را ادامه دهیم، ولی او راضی نبود و بیشتر تمایل داشت از طریق صحبت کردن درمان ادامه یابد اما از نظر من مهم بود که از این روش هم استفاده کنیم تا شاید بهتر بتواند برخی مسائلش را ابراز کند. دلیل مراجعه او این بود که با همسرش مشکل داشت. در شروع بازی با شن از او خواستم تا دو اسباب بازی را انتخاب کند، یکی نماد همسرش و دیگری خودش.

عروسکی که نماد همسرش بود، عروسکی از داستان بت من بود و چهره‌ای دو قسمتی داشت؛ طرفی خوب و طرفی دیگر بد. زمانی که این عروسک را انتخاب کرد با خشم و محکم در شن کوید. احتمالاً این عروسک نمادی از این بود که همسرش دورو دارد، گاهی خوب و گاهی بد. عروسکی که نشانه نماد خودش بود را برداشت. عروسکی که ظاهرش شبیه دختری کوچولو بود. از او پرسیدم چرا این عروسک را انتخاب کردی؟ پاسخ داد، بعضی مواقع شبیه دختر بچه‌های کوچولو هستم و هیچ گزینه‌ای برای انتخاب صحیح ندارم. گاهی می‌توانم به همسرم اعتماد کنم و زمانی دیگر نه. زمانی که به او اعتماد می‌کنم، هیچ‌گاه نتیجه خوبی نمی‌گیرم. پس از آن تمرکزش را بر روی عروسک کوچک هدایت کردم. به من بگو این عروسک کوچک اکنون چه احساسی دارد؟ زن عروسک را برمی‌دارد، سرش را با فرو بردن در شن دفن می‌کند و ادامه می‌دهد: این عروسک زمین‌گیر شده و دقیقاً مثل من که در ازدواجم زمین‌گیر شدم. فقط ازدواجم نیست، بین دوستانم، کارم و... فشاری که بر من وارد می‌شود، دفن شده‌ام.

درنگ

دوستی با کفار

دوستی با کفار طغیان و فساد نظام دین است که بدترین و خطرناک‌ترین ضرر را برای دین دارد، حتی ضررش از ضرر کفر و شرک مشرکان نیز بیشتر است، زیرا آن‌کس که کافر و مشرک است، دشمنی‌اش برای دین آشکار است و به سهولت می‌توان خطرش را از حومه دین دفع نموده و از خطرش بر حذر بود و اما مسلمانی که دعوی صداقت و دوستی با دین می‌کند و در دل دوستدار دشمنان دین است و قهراً این دوستی اخلاق و سنن کفر را در دلش رخنه داده، چنین کسی و چنین کسانی ندانسته حرمت دین و اهل دین را از بین می‌برند و خود را به هلاکتی دچار می‌سازند که دیگر امید حیات و بقایی باقی نمی‌گذارد. و سخن کوتاه این‌که این قسم دوستی طغیان است و امر طاعی به دست خود خدای سبحان است. / ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۳، ص ۲۴۱



مشخصات حماسه مقدس

حماسه مقدس آن کسی است که روحش برای خود موج نمی‌زند، برای نژاد خود موج نمی‌زند، برای ملت خود موج نمی‌زند، برای قاره یا مملکت خود موج نمی‌زند؛ او اساساً چیزی را که نمی‌بیند شخص خود است، او فقط حق و حقیقت را می‌بیند و اگر خیلی کوچکش بکنیم باید بگوییم بشریت را می‌بیند. پس یک جهت که این حماسه مقدس می‌شود این است که هدفش مقدس و پاک و منزه است؛ مثل خورشید عالم‌تاب است که بر همه مردم و بر همه جهانیان می‌تابد.

دومین جهت تقدس این‌گونه قیام‌ها و نهضت‌ها این است که در شرایط خاصی که هیچ‌کس گمان نمی‌برد قرار گرفته‌اند؛ یعنی یکمرتبه در یک فضای بسیار تاریک و ظلمانی یک شعله روشن می‌شود، شعله‌ای در یک ظلمت مطلق؛ فریاد عدالتی است در یک استبداد و ستم مطلق، جنبشی است در یک سکون و درحالی که همه ساکن و مرعوبند، کلام و سخنی است در یک خاموشی مرگبار.

به عنوان مثال نمودی پیدا می‌شود که یک مرد باقی نمی‌گذارد و در همین زمان نهضت مقدس ابراهیم صورت می‌گیرد، یا فرعون‌ی پیدا می‌شود و در همین عصر موسایی پیدا می‌شود یا در مصر بعثت خاتم الانبیاء (ص) که تمام دنیا در ظلمت و خاموشی و هرج و مرج و فساد فرو رفته است ناگهان فریاد «قولوا لا اله الا... اُفْلِحُوا» بلند می‌شود.

دولت اموی است، تمام نیروها را به نفع خودش تجهیز کرده است حتی نیروی مذهب را، به این ترتیب که محدثین از خدا بی‌خبر را استخدام کرده و به آنها پول می‌دهد تا به نفع او حدیث جعل کنند. می‌گویند یک عالم اموی گفته است: «اِنَّ الْحُسَيْنَ قُتِلَ بِسَيْفٍ جَدِّهِ» حسین با شمشیر جدش کشته شد و منظور او این بوده است که حسین (ع) به حکم دین جدش کشته شد، ولی من می‌گویم این حرف به معنی دیگری درست است و آن این‌که بنی‌امیه توانسته بودند اسلام را آنچنان استثمار و استخدام و منحرف کند که یک عده مردم از خدایی خبر به عنوان جهاد و خدمت به اسلام، به جنگ حسین بیایند. بعد از شهادت اباعبد... (ع) به شکرانه این عمل چندین مسجد ساخته شد. ببینید ظلمت و تاریکی چقدر بوده است.

آن وقت شعله‌ای مانند شعله حسینی در یک چنین شرایطی پیدا می‌شود، شرایطی که نوشته‌اند اگر یک نفر می‌خواست یک جمله درباره علی (ع) روایت بکند مثلاً بگوید من از پیغمبر (ص) چنین چیزی را درباره علی (ع) شنیدم یا می‌خواهم فلان قضیه یا فلان خطبه را از علی نقل بکنم، می‌رفتند در صندوقخانه‌ها، درها را از پشت می‌بستند، بعد کسی که می‌خواست جمله را نقل کند، طرف را قفس‌های مؤکد می‌داد که من به این شرط برای تو نقل می‌کنم که آن را برای احدی نقل نکنی مگر برای کسی که به اندازه خودت قابل اعتماد باشد و تو هم او را به همین اندازه قسم بدهی که برای شخص غیر قابل اعتماد نقل نکند. سومین جهت تقدس نهضت حسینی این است که در آن یک رشد و بینش نیرومند وجود دارد؛ یعنی این قیام و حماسه از آن جهت مقدس است که قیام‌کننده چیزی را می‌بیند که دیگران نمی‌بینند، همان مثل معروف: «آنچه را که دیگران در آینه نمی‌بینند او در خشت خام می‌بیند»، اثر کار خودش را می‌بیند، منطقی دارد مافوق منطق افراد عادی، مافوق منطق عقلایی که در اجتماع هستند. ابن عباس، ابن حنفیه، ابن عمر و عده زیادی در کمال خلوص نیت، حسین بن علی (ع) را از رفتن به کربلا نهی می‌کردند. آنها روی منطق خودشان حق داشتند، ولی حسین (ع) چیزی را می‌دید که آنها نمی‌دیدند. آنها نه به اندازه حسین بن علی (ع) خطر را احساس می‌کردند و نه می‌توانستند بفهمند که چنین قیامی در آینده چه آثار بزرگی دارد اما او به‌طور واضح می‌دید. / برگرفته از کتاب حماسه حسینی - استاد شهید مرتضی مطهری